



قرار اناطه چیست و شرایط صدور آن چگونه است؟

صمیم‌های دادگاه‌ها درخصوص پرونده‌های مطرح‌شده در آنها، به دو نوع «حکم» و «قرار» تقسیم می‌شوند. بنابر ماده‌ی ۲۹۹ آیین دادرسی مدنی، هرگاه دادگاه تصمیمی بگیرد که به ماهیت دعوا مربوط نباشد یا قاطع دعوا به‌شمار نرود، آن تصمیم، «قرار» نامیده می‌شود.

صمیم‌های دادگاه‌ها درخصوص پرونده‌های مطرح‌شده در آنها، به دو نوع «حکم» و «قرار» تقسیم می‌شوند. بنابر ماده‌ی ۲۹۹ آیین دادرسی مدنی، هرگاه دادگاه تصمیمی بگیرد که به ماهیت دعوا مربوط نباشد یا قاطع دعوا به‌شمار نرود، آن تصمیم، «قرار» نامیده می‌شود.

به گزارش «تابناک»؛ برای نمونه، اگر در دعوایی، یکی از طرف‌ها ادعا کند که دادگاه بنابر قانون، صلاحیت رسیدگی به اختلاف را ندارد، تصمیمی که دادگاه در این‌باره می‌گیرد، «قرار» است؛ نه حکم. «اناطه» نیز در لغت به معنای معلق کردن و منوط کردن امری است. صدور قرار اناطه در دعوی، به این معناست که جنبه‌های دیگری از دعوی مطرح‌شده در دادگاه «الف» منوط و موکول به رسیدگی در دادگاه «ب» خواهد بود؛ گونه‌ای که ادامه‌ی دادرسی و صدور حکم در دادگاه «الف» در دادگاه «ب» و صدور حکم قطعی از آن بستگی دارد.

شرایط صدور قرار اناطه

به نوشته «چطور»؛ نخستین بار قرار اناطه در آیین دادرسی کیفری مطرح شد و سپس به آیین دادرسی مدنی و دیگر قوانین تسری یافت. در ادامه، به مواد مربوط به هر یک از قوانین آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی کیفری، دیوان عدالت اداری و آیین دادرسی کار که صدور قرار اناطه را پیش‌بینی کرده‌اند، می‌پردازیم:

۱. ماده‌ی ۱۹ آیین دادرسی مدنی

هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا تصمیم‌گیری مرجع صلاحیت‌دار متوقف می‌شود. در این‌مورد، خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه‌ی دعوا کرده و رسیدن آن را به دفتر دادگاه رسیدگی‌کننده تسلیم کند؛ وگرنه، قرار رد دعوا صادر می‌شود و خواهان می‌تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح دوباره اقامه‌ی دعوا کند.

۲. ماده‌ی ۲۱ آیین دادرسی کیفری

هرگاه احراز مجرمیت متهم، منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نبوده و در صلاحیت دادگاه حقوقی باشد، با تعیین ذی‌نفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود. در این‌صورت، هرگاه ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه بدون عذر و موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌کند.

تبصره‌ی ۱: در مواردی که قرار اناطه از سوی بازپرس صادر می‌شود، باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد. چنانچه دادستان با این قرار موافق نباشد، حل اختلاف بنابر ماده‌ی ۲۷۱ این قانون به عمل می‌آید.

تبصره‌ی ۲: اموال منقول از شمول این ماده مستثنا هستند.

تبصره‌ی ۳: مدتی که پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود، جزو مواعد مرور زمان

به و شمار نمی‌آید.

۳. ماده و ۵۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

هرگاه رسیدگی دیوان منوط به اثبات امری باشد که در صلاحیت مرجع دیگری است، قرار اناطه صادر و مراتب به طرفین ابلاغ می‌شود. ذی‌نفع باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اظهاریه و ابلاغ دیوان، به مرجع صالح مراجعه و گواهی دفتر مرجع مزبور را مبنی بر طرح موضوع، به دیوان تسلیم کند. وگرنه، دیوان به رسیدگی خود ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی را می‌گیرد.

۴. ماده و ۷۰ قانون آیین دادرسی کار

چنانچه میان طرفین دعوا، به‌طور هم‌زمان دعوای کیفری دیگری، مرتبط با دعوای مطرح‌شده در مرجع حل اختلاف، در مرجعی دیگر و مورد رسیدگی باشد و به تشخیص مرجع رسیدگی‌کننده، نتیجه و رأی آن در رأی تأثیرگذار باشد، صدور رأی به تعیین تکلیف دعوای کیفری موکول خواهد شد.

همچنین بنابر رأی وحدت رویه به شماره و ۶۴۰ ی که در تاریخ ۱۸/۸/۱۳۷۸ از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور صادر شده است، قرار اناطه تجدیدنظرپذیر است. به‌طور خلاصه، بنابر این رأی، از آنجاکه قرار اناطه از ابتدا در ماده و ۱۷۱ آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۰ از قرارهای قابل شکایت به‌شمار می‌رود و اصل نیز بر اعتراض و پذیرش قرارهایی است که صدور آنها موجب اضرار (ضرررسانی) به حقوق طرفین دعوا باشد، تجدیدنظرپذیری قرار اناطه بنابر موازین قانونی تشخیص داده می‌شود.

نمونه و ی نخست: فرض کنید شخص و شخص با استناد به سند رسمی ملکی، در برابر شخص و ساکن آن ملک است و سندی رسمی مبنی بر مالکیت آن ندارد، ادعای مالکیت خود را در دادگاه حقوقی مطرح می‌کند. بنابر قواعد حقوقی، سند رسمی نسبت به اماره و تصرف برتری دارد و ادعای شخص و اصولاً باید پذیرفته شود؛ اما شخص و ادعایی مبنی بر جعلی بودن آن سند رسمی همراه با تعیین جاعل مطرح می‌کند و دادگاه حقوقی در این مورد باید تا اثبات جعلی بودن سند در دادگاه کیفری، رسیدگی به دعوا را به صدور رأی قطعی دادگاه کیفری در خصوص جعل موکول کند.

نمونه و ی دوم: فرض کنید زنی در دادگاه کیفری، شکایتی مبنی بر ترک انفاق از زوج مطرح می‌کند؛ زوج با حضور در دادگاه، منکر رابطه و زوجیت میان خود و زن می‌شود. در اینجا نیز دادگاه کیفری با صدور قرار اناطه، رسیدگی به دعوا را به اثبات رابطه و زوجیت در دادگاه حقوقی موکول می‌کند.